

درس هفدهم

سپیده دم

تورا «جنوب» نامیدم

قلمرو ادبی:

جنوب: نماد «مقاومت و قیام»

قلمرو فکری:

ای سرزمین جنوب لبنان، تو را به این دلیل «جنوب» گفتم

ای که ردای حسین را بردوش

قلمرو زبانی:

ردا: بالا پوش، جبهه

قلمرو ادبی: تلمیح به حماسه عاشورا

قلمرو فکری:

که ادامه دهنده آرمان های امام حسین (ع) هستی

و خورشید کربلا را برداری

قلمرو ادبی:

استعاره: «خورشید کربلا» استعاره از امام حسین (ع)

قلمرو فکری:

و امام حسین (ع) روشنی بخش اهداف تو است

ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی

قلمرو ادبی:

استعاره: «سرخ گل» استعاره از «امام موسی صدر»

قلمرو فکری:

ای امام موسی صدر، که در راه رسیدن به اهداف بلند، فداکاری کرده ای

ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین

پیوند خورده ای

قلمرو زبانی:

برین: اعلی، بالایی

قلمرو فکری:

ای امام موسی صدر، که توانستی انقلاب زمینی (مبارزه با اشغالگران) رنگ بوی آسمانی (خدایی) ببخشی.

ای سرزمینی کز خاکت

خوشه های گندم می روید

قلمرو ادبی:

دخترایی که در این نزدیکی است / لای این شب بویا، پای آن کج بلند...

خوشه های گندم: نماد فراوانی نعمت و برکت

قلمرو فکری:

ای سرزمینی که خاکت سرشار از برکت و سرسبزی است

ویا مبران برمی خیزند

قلمرو فکری:

و این نشانه مقدس بودن سرزمین تو است که پیامبران از آن جا برخاسته اند.

تورا جنوب نامیدم

قلمرو فکری:

تو را به این دلیل جنوب نامیدم که

ای کشتی ماهی صیادی که مقاومت پیشه کرده اید

قلمرو ادبی:

تشخیص: کشتی های صیادی مقاومت بکنند / مجاز: تمام لبنان حتی کشتی ها مقاومت می کنند

قلمرو فکری:

ای کشتی هایی که در کمین دشمن هستید و مقاومت، پیشه شماست

ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده اید

قلمرو ادبی:

تشخیص: ماهی مقاومت کند

قلمرو فکری:

ای ماهی هایی که با مقاومت همگام هستید.

ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده اید

قلمرو ادبی:

تشخیص: دفترهای شعر مقاومت کنند

قلمرو فکری:

ای دفترهای شعری که رسم مقاومت را می دانید و پایداری می سزایید

ای روزهای عاشورا

قلمرو فکری:

ای روزهای عاشورایی (سرزمینی که همیشه شهدای زیادی را تقدیم می کنی..)

تورا جنوب نامیدم

قلمرو فکری:

تو را به این دلیل جنوب صدا زدم که

تورا آب با و خوشه با

قلمرو ادبی:

آب: نماد «پاکی و حیات» / خوشه: نماد «فراوانی نعمت و سرسبزی»

قلمرو فکری:

تو مظهر حیات و باروری و برکت هستی

وستاره غروب نامیدم

قلمرو فکری:

تو مثل ستاره غروب، راهنمای مبارزه با اشغالگران هستی

تورا سپیده دمی در انتظار زاده شدن

قلمرو زبانی:

سپیده دم: وندی-مرکب

قلمرو ادبی:

سپیده دم: نماد امیدواری

قلمرو فکری:

تو سپیده دم پیروزی بر اشغالگران هستی

و پیگیری در اشتیاق شهادت نامیدم

قلمرو فکری:

و تمام لبنان آماده فدا کردن جان خود هستند

تورا انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم

قلمرو فکری:

تو انقلابی به پا کردی بر خلاف باورهای غلطی که نباید با اشغالگران مبارزه کرد، و شگفتی ساز شدی و باورها را تغییر دادی

تورا پاک و پاکیزه و ابرجمند و توانا نامیدم

قلمرو فکری:

تو ای سرزمین مقدس، پاک و توانا هستی

تورا جنوب نامیدم

قلمرو فکری:

تو را به این دلیل جنوب نامیدم که

ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران

قلمرو زبانی:

سبزه: وندی (سبز+ه) روزگاران: وندی (روز+گار+ان)

قلمرو ادبی:

دفتر روزگاران: اضافه تشبیهی / ای چون سبزه برآمده: تشبیه

دوایلی که در این تودیکی است / لای این شب بودا، پای آن کالج بلند...

قلمرو فکری:

تو در برابر سختی ها و مشکلات ، مانند سبزه زیبا و با طراوت هستی

ای مسافر دیرین بر روی خار و درد

قلمرو زبانی:

دیرین : قدیمی ، کهن

قلمرو ادبی:

مسافر دیرین : استعاره از لبنان / استعاره : خار (رنج و سختی)

قلمرو فکری:

مقاومت و ظلم ستیزی تو سابقه ای طولانی دارد .

ای چون ستاره ، فروزان

قلمرو ادبی:

چون ستاره: تشبیه . فروزان: وجه شبه

قلمرو فکری:

ای سرزمینی که در مبارزه با اشغالگران همانند ستاره ای می درخشی و راهنمای مبارزان هستی

ای چون شمشیر، درخشان

قلمرو ادبی: تشبیه. درخشان: وجه شبه

قلمرو فکری:

ای سرزمینی که چون شمشیر همیشه درخشان بر آن هستی

بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست

قلمرو ادبی:

کنایه : « بوسه بر دست زدن » کنایه از « تشکر کردن »

قلمرو فکری:

تو قابل ستایش و تمجید هستی

بگذار کرد و خاک قدم هایت را برگیریم

قلمرو ادبی:

گرد و خاک قدم هایت را بگیریم: کنایه از « احترام گذاشتن »

قلمرو فکری:

من با احترام گذاشتن به تو ، تمام خستگی ها را از تنت بیرون می کنم

ای سرور باران ها و فصل ها،

قلمرو ادبی:

بارن : نماد طراوت و رویش / فصل : نماد تغییر و دگرگونی / مصراع استعاره از امام موسی صدر

قلمرو فکری:

تو برای ما رویش و طراوت می آوری و تو هر دو تمام فصل ها (تغییرات) هستی

تورا عطری نامیدم که در غنچه خانه دارد

قلمرو ادبی:

تشبیه (تو مشبه . عطر مشبه به)

قلمرو فکری:

تو عطری در میان غنچه ها هستی که فعلا ناشناخته ماندی

تورا پرستو نامیدم

قلمرو ادبی:

تشبیه: تو مشبه . پرستو مشبه به / پرستو: نماد آزادی

قلمرو فکری:

تو همانند پرستوی مهاجری هستی که برای ما آزادی را بشارت می آورد

ای سرور سروران!

قلمرو فکری:

ای کسی که بزرگ همه هستی

ای برترین حماسه!

قلمرو فکری:

ای کسی که برترین حماسه را خلق کردی (مقاومت در برابر اشغالگران)

دریا تنی نیلگون است

که علی آن را می نویسد

قلمرو ادبی:

تشبیه : دریا متنی نیلگون است

قلمرو فکری:

دریای حقیقت (آزادی) مثل متن آبی نیلوفری است که علی (ع) نویسنده آن است

و مریم هر شب، روی شن ها
به انتظار مهدی می نشیند

قلمرو فکری:

و حضرت مریم هر شب ، روی شن های ساحل به انتظار حضرت مهدی می نشیند (زنان لبنان در انتظار عدالت هستند)

و گل باغی را می چیند
که از انگشتان شهیدان می رویند

قلمرو ادبی:

استعاره مکنیه (انگشتان به خاک یا گلستانی تشبیه شده که از آن گل می روید)

قلمرو فکری :

و در انتظار گل هایی است که شهدا زمینه ساز ظهور آن هستند (زنان لبنان از ثمره خون شهیدان بهره مند می شوند.)

تاریخ روزی، روستای کوچکی را
از روستای جنوب به یاد خواهد آورد

قلمرو ادبی :

تشخیص: تاریخ چیزی را به یاد بیاورد

قلمرو فکری:

تاریخ همیشه نام روستای کوچکی را به یاد خواهد داشت

که « معرکه » خوانده می شود.

قلمرو ادبی :

ایهام: معرکه : الف) میدان جنگ (ب) نام روستا (روستای « معرکه » در جنوب لبنان ، زادگاه اجداد امام موسی صدر است)

قلمرو فکری:

که نام آن معرکه است.

روستایی که با « صدر » ش ؛ با سینه اش
از شرافت حناک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

قلمرو ادبی:

ایهام : صدر : الف) امام موسی صدر (ب) سینه

قلمرو فکری:

روستایی که با امام موسی صدر ، برای دفاع از شرافت سرزمین و انسانیت قیام کرد

سرورم ! ای سرور آزادگان !

قلمرو فکری:

آقایم ، ای سرور آزادگان

در زمانه سقوط و ویرانی
جز تو، کسی نمسانده است.

قلمرو فکری:

در زمانه ای که همه در برابر اشغالگران تسلیم شده اند و به فکر خود هستند ، تنها تو هستی که پرچم مبارزه را برافراشته ای و نجات بخش ما هستی.

که در زندگی ما نخل و غن و تاکستان بخارد

قلمرو ادبی:

نخل و غن و تاکستان: نماد سرسبزی و برکت و نعمت

قلمرو فکری:

این تو هستی که به ما زندگی می بخشی و امیدوارمان می سازی

جز تو کسی نمسازده است.

مگر تو!

مگر تو!

پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بکشای!

قلمرو ادبی:

استعاره: امید و روشنایی مانند خانه ای است که در دارد (می توان تشبیه هم در نظر گرفت « امید و روشنایی مانند دری هستند)

قلمرو فکری:

پس همچنان به ما امید ببخش

« سمفونی پنجم جنوب » نزار قبّانی (۱۹۸۸ - ۱۹۲۳م)

(با کاهش و اندکی تغییر)

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی:

۱- به نمونه های زیر ، توجه کنید:

بر پایه تناسب (همبستگی)

	باغ	
بلبل	گل	پروانه
	گلستان	

بر پایه هم معنایی (ترادف)

	دوستی	
محبّت	مهربانی	لطف
	الفت	

اکنون بر پایه نمونه های داده شده ، نمودارهای زیر را کامل کنید:

الف) تناسب

بهشت

لاله زار عطر سرسبزی

گل

ب) ترادف

عفو

سخاوت کرامت جوانمردی

بخشندگی

۲- از میان موارد زیر ترکیب های وصفی و اضافی را جدا کنید ؛ سپس هسته هر یک را مشخص نمایید.

ستاره غروب (ترکیب اضافی، هسته: ستاره) ، سرور آزادگان (ترکیب اضافی، هسته: سرور) ، مسافر دیرین (ترکیب وصفی، هسته: مسافر) ، ماهی دریا (

ترکیب اضافی، هسته: ماهی) ، برترین حماسه (ترکیب وصفی، هسته: حماسه)

۳- در مصراع زیر ، نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید.

« پس ، درهای امید و روشنایی را به روی ما بکشای »

پس (قید) درهای امید و روشنائی (گروه مفعولی، در: هست- امید: مضاف الیه- روشنائی: مضاف به مضاف الیه) روی (متمم) ما (مضاف الیه) بگشای (فصل)

قلمرو ادبی:

۱) مصراع های زیر را با توجه به آرایه های « تشخیص ، کنایه و تشبیه » بررسی کنید.

- ای چون سبزه بر آمده از دفتر روزگاران (تشبیه: تو چون سبزه بر آمده ای / روزگاران چون دفتر است)
- ای کشتی های صیادی که مقاومت پیشه کرده اید! (تشخیص)

- بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست. (کنایه: بوسه زدن: قابل ستایش بودن)

۲) کدام واژه مشخص شده ، «استعاره» به شمار می آید؟ مفهوم آن را بنویسید.

« ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره ، فروزان » خار: استعاره از درد و نجات

۳) شاعر ، « باران ها » و « فصل ها » را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟

باران: نماد طراوت و سرزندگی فصل ها: نماد تغییر و دگرگونی

۴) کاربرد مناسب شبکه معنایی، در شعر و نثر، ضمن آن که به تداعی معانی کمک می کند، سبب زیبایی و دلنشینی سخن می

شود و آرایه « مراعات نظیر » را پدید می آورد؛ مثال:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (سعدی)

از متن درس، دو نمونه مراعات نظیر بیابید. باران، عطر، غنچه، کشتی، ماهی، دریا، صیادی

قلمرو فکری:

۱) دریافت خود را از سروده زیر بنویسید:

« تو را جنوب نامیدم / / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین / پیوند خورده ای ».

به انقلاب مردم لبنان علیه اشغالگران رنگ و بویی خدایی بخشیدی

۲) در سروده زیر:

« ای سرزمینی کز خاکت / خوشه های گندم می روید / و پیامبران بر می خیزند ».

الف) کدام سرزمین مورد خطاب است؟ لبنان

ب) مقصود شاعر از مصراع های دوم و سوم چیست؟ اشاره به طبیعت و سرشتی است که این سرزمین را دارنده آن کند که گندم از زمین سر بر می آورد

پیامبران نیز از این سرزمین برانگیخته شده اند.

۳) از متن درس، مصراعی را معادل معنایی قسمت مشخص شده بیابید:

« تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم ».

ای سرخ گل که فدکاری پیشه کردی

۴) قناتی در این بخش از شعرش بر چه نکته ای تأکید دارد؟

« ای که ردای حسین بر دوش داری / و خورشید کربلا را در برداری... ».

گنج حکمت

مزار شاعر

تیمور لنگ، گاه سوار بر اسی که لکامی زرین داشت - سرگرم اندیشه های دور و دراز خود - از میدان جنگ به کورستان می رفت و از اسب پیاده می شد و تنها در میان قبرها به گردش می پرداخت و هرگاه بر مزار یکی از نیاکان خود یا شاعری بزرگ، سرداری دلاور و دانشمندی نامدار می گذشت، سرفرومی آورد و مزار او را می بوسید.

تیمور، پس از آنکه شهرتوس را کشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند؛ زیرا فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود. آنگاه تیمور بر سر مزار او شافت و چون جنبه ای اسرار آمیز او را به سوی فردوسی می کشید، خواست که قبرش را بکشایند:

«مزار شاعر غرق در گل بود».

تیمور در اندیشه شد که پس از مرگ، مزار کشور کشایی چون او چگونه خواهد بود. پس، از راه قره قورم به سوی تاتار - آنجا که نیای بزرگش، چکنیز، در معبدی آهنبین آرمیده است - روی آورد.

در برابر زائر نامدار که زانو بر زمین زده و سرفروم آورده بود، سنگ بزرگی را که بر کور فتح چین نهاده بودند، برداشتند. ولی تیمور نگاهبان بر خود لرزید و روی بگردانید:

«کور سنگ غرق در خون بود».

فرانسوا کوپه

قلمرو زبانی:

لگام: دهنه، افسار / زرین: طلائی / نیا: جد، پدر بزرگ / زائر: زیارت کننده /

قلمرو ادبی:

کنایه: سر فرود آوردن: احترام گذاشتن / دست برداشتن: ترک کردن، منصرف شدن / غرق چیزی بودن: سرشار از چیزی بودن / بر خود لرزیدن: ترس و اضطراب /

مفهوم: اعمال و رفتار انسان ها بازتاب دارند و به خودشان برمی گردند.